



بررسی ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم

• رحیم شبانه

اشاره:

حکومت فاطمیان در سرزمین مراکش ظهور کرد، در مصر به اوج شکوفایی رسید و برآمدن ایوبیان در شام انحطاط آن‌ها را در پی داشت. حکومت فاطمیان یکصد و پنجاه سال پس از مرگ اسماعیل بن جعفر صادق (ع) به دست عبیدالله بن المهدی برپا شد و حدود ۲۸۰ سال دوام آورد. کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم اثر ابی عبدالله محمد الصنهاجی، یکی از منابع مهم و با ارزشی است که به طور خلاصه به تاریخ خلفای فاطمی توجه نموده است. کتاب در زمان فروپاشی فاطمیان نگارش یافته است.

شرح حال مؤلف:

امام ابو عبدالله بن علی بن حماد بن عیسی بن ابی بکر از قبیله «صنهاجه» واقع در کشور الجزایر و متولد حدود ۵۴۸ هـ. / ۱۱۰۵ م. بود. او از اساتید بزرگ آن سامان کسب علم کرد و در علوم قرآنی و تاریخ صاحب نام شد. وی در سرزمین خود به شهرهای الجزایر، تلمسان تا مغرب الاقصی سفر کرد و با علمای این مناطق آشنا گردید. سپس به اندلس رفت و در جزیره خضرا بر مسند قضاوت نشست. پس از آن در سال ۶۱۳ هـ. به مغرب رفت و قاضی آنجا شد. کتاب‌هایی چند به او منسوب است. اما گویا تنها کتاب حاضر از او باقی مانده است. سال مرگ ابن حماد را ۶۲۶ هـ. / ۱۲۳۰ م. نوشته‌اند.

کتاب دارای مقدمه مترجم، مقدمه مصحح، معرفی نویسنده کتاب، چهارده فصل، منابع، چند نقشه شمال افریقا، نسب نامه



- تاریخ فاطمیان، ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم
- نویسنده: ابی عبدالله محمد الصنهاجی
- مترجم: حجت الله جودکی
- ناشر: تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸

خواننده با مطالعه کتاب «تاریخ فاطمیان» با جغرافیای تاریخی بسیاری از مناطق شمال و غرب افریقا و نیز نام برخی قبایل ساکن آن مناطق آشنا می‌شود

سنه‌جی به بعضی از اسناد و نامه‌های فاطمیان دسترسی داشته است چنان که در جایی از کتاب به دیدن برخی از نامه‌های المنصور بالله اسماعیل اشاره می‌کند

امامان شیعه و امامان اسماعیلی و تصویر صفحه اول و آخر متن اصلی کتاب است. فصول چهارده‌گانه کتاب هر یک به بررسی دوران خلافت یکی از خلفای فاطمی (از عبیدالله بن مهدی تا ابی محمد عبدالله العاضد لدین الله) اختصاص دارد.

منابع نویسنده:

۱- نویسنده برخی اطلاعات خود را از کتاب‌هایی که پیش از او نوشته شده برگرفته است. این منابع عبارتند از: کتاب‌های ابراهیم بن ابوالقاسم معروف به «ابن رقیق» مورخ بزرگ افریقیه که بیشتر آثار او از بین رفته است.^۲ همچنین سنه‌جی از کتاب تاریخ القضاء هم به عنوان منبع خود یاد می‌کند.

۲- نویسنده به بعضی از اسناد و نامه‌های فاطمیان نیز دسترسی داشته است، چنان که در جایی از کتاب به دیدن برخی از نامه‌های المنصور بالله اسماعیل اشاره می‌کند.^۳

۳- بعضی از مطالب را از افراد آگاه و مورد اعتماد از جمله «شیخ فقیه المعمر ابوالحسن علی بن محمد بن عثمان التمیمی القلعی» و «فقیه قاضی ابوالمکارم هبة الله المصری» شنیده است. پاره‌ای از مطالب را نیز برخی از شاگردان «حجاج» برای او نقل کرده‌اند.^۴

سنه‌جی درباره انگیزه تألیف کتاب می‌نویسد: «سبب نگارش و انگیزه تألیف این کتاب همان است که دیگر نویسندگان و مورخان دارند.»^۵ علت نامگذاری کتاب به بنی عبید به خاطر نام عبیدالله بن المهدی است. نویسنده درباره نسب عبیدالله می‌گوید، مردم در این ارتباط اختلاف نظر دارند: «در خصوص آن چه که برخی مردم درباره عبیدالله ادعا کرده‌اند دلیلی دیده نمی‌شود و نیازی هم به بررسی این موضوع نمی‌باشد.»^۶ منابع دیگر نیز به این اختلاف اشاره دارند و حتی عبیدالله را از نسل عبدالله بن سالم بصری می‌شمارند.^۷

نویسنده از قبیله سنه‌جی بوده و در کتاب هم به تاریخ این قبیله و ارتباط آن‌ها با فاطمیان اشاره کرده است. او به فاطمیان و عملکرد آن‌ها دید نسبتاً مثبتی داشته است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قبیله سنه‌جی جزء طرفداران فاطمیان بوده‌اند.

فصل اول کتاب به زندگی و کارهای عبیدالله بن المهدی اختصاص دارد و از بقیه فصول طولانی‌تر است. او جریان اقدامات و حرکت عبیدالله را از شرق اسلامی و عراق به مصر و شمال و غرب افریقا دنبال کرده است. سنه‌جی در بعضی قسمت‌های کتاب، عبیدالله بن المهدی را با عنوان الشیعی نام

برده و خشونت‌های زیادی را به او نسبت می‌دهد، اما می‌نویسد: «وی همیشه لباس‌های فاخر به تن می‌کرد و بوهای خوش به کار می‌برد.»^۸

با وجود آن که نویسنده در فصل اول اشاره می‌کند که محمد القائم بامرالله (کنیه‌اش ابوالقاسم پسر و جانشین عبیدالله بن المهدی)، مدت یک ماه و به قولی یک سال مرگ پدر را مخفی نگاه داشت، اما در ابتدای فصل دوم می‌نویسد: روزی که پدرش مرد، مردم با او بیعت کردند. کتاب به فعالیت گروه‌های دیگر از جمله خوارج اباضیه (دشمن فاطمیان) و بسیاری از جریان‌های آن روز مغرب اسلامی نیز اشاره دارد.

دلیل این که چرا سنه‌جی برای المنصور بالله اسماعیل (۳۴۱ هـ. / ۳۳۴ هـ.)، نوه عبیدالله، عنوان خلافت را به کار برده، مشخص نیست؛ در حالی که برای بقیه اولاد عبیدالله عنوان ولایت به کار برده است. مؤلف در ضمن گزارش دوران خلافت اسماعیل به ارتباطات فاطمیان و تبلیغات آن‌ها در عراق می‌پردازد.^۹ خلفای فاطمی خود را امیرالمؤمنین می‌دانستند، هم چنان که ائمه شیعه را این چنین می‌نامیدند. نویسنده گوشزد می‌کند که اساس خلافت فاطمیان بر ارث خلافت از پدر به فرزند بود. بنابراین اگر جانشین خلیفه صاحب فرزند نمی‌شد، به مقام جانشینی انتخاب نمی‌گردید.

نویسنده از تأثیر رسوم شیعیان فاطمی بر اهالی افریقا و به خصوص منطقه الجزایر و قبیله سنه‌جی سخن می‌گوید. او ضمن روایت تاریخ سیاسی فاطمیان، به ذکر حکایات عجیب و غریب نیز پرداخته است. نویسنده درباره اختلاف بین فاطمیان و ایجاد شایعه نزاریه که مخالف حکومت مستنصر بودند، اطلاعاتی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد. در حالی که این قضیه در زمان او صورت گرفته است.

از جمله مزایای کتاب این است که نویسنده در عین توجه به تاریخ خلفای فاطمی، به طور خلاصه و مختصر به حوادث شرق جهان اسلام و خلفای عباسی معاصر با فاطمیان نیز اشاره نموده است.

خواننده با مطالعه کتاب با جغرافیای تاریخی بسیاری از مناطق شمال و غرب افریقا و نیز نام برخی قبایل ساکن آن مناطق آشنا می‌شود. سنه‌جی وجه تسمیه و چگونگی پیدایش برخی شهرهای شمال افریقا را ذکر نموده است. ویژگی دیگر کتاب توجه به اقلیت‌های مذهبی چون یهودیان و مسیحیان در قلمرو

ابی عبدالله صنهاجی به فاطمیان و عملکرد آن‌ها دید نسبتاً مثبتی داشته است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که قبیله صنهاجه جزء طرفداران فاطمیان بوده‌اند

صنهاجی به فعالیت گروه‌هایی چون خوارج اباضیه (دشمن فاطمیان) و بسیاری از جریان‌های آن روز مغرب اسلامی نیز اشاره دارد



فاطمیان است. اشعار چندی در متن کتاب وجود دارد که مترجم محترم برخی را ترجمه و برخی را بدون ترجمه باقی گذاشته است. در بسیاری از موارد نویسنده از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر یا از موضوعی به موضوع دیگر می‌پرد، در حالی که حوادث با هم ارتباطی ندارد. مصحح کتاب معتقد است شاید این پراکندگی نتیجه اقدامات ناسخ‌ها باشد که دانش لازم را در امر تحقیق نداشته‌اند.^{۱۰}

آشکارا معلوم است که اطلاعات نویسنده از تاریخ فاطمیان بیشتر در ارتباط با مغرب و شمال افریقا، یعنی هنگام حکومت آن‌ها در مهدیه بوده است. اما از زمانی که فاطمیان در سال ۳۶۲ هـ./ ۹۷۳ م. در دوره خلافت المعز به مصر آمدند و قاهره مرکز خلافت شد، اطلاعات صنهاجی کمتر می‌شود. به گونه‌ای که حوادث بعد از این سال و تاریخ خلفای بعدی را به صورت کلی و خلاصه مطرح نموده است.

ترجمه فارسی کتاب دارای زیرنویس‌های خوبی است که اسامی افراد و مکان‌ها را توضیح می‌دهد. برخی از زیرنویس‌ها نوشته مترجم است، ولی در برخی موارد نویسنده زیرنویس‌ها مشخص نیست که احتمالاً باید کار مصحح کتاب باشد. هم‌چنین نویسنده زندگی‌نامه صنهاجی نیز مشخص نیست که به احتمال زیاد آن هم کار مصحح کتاب است. کتاب فاقد نمایه است، بنابراین لازم است که در چاپ‌های بعدی به این موضوع توجه شود.

- پی‌نوشت‌ها:
- ۱- الصنهاجی، ابی عبدالله محمد، تاریخ فاطمیان، ترجمه کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتهم، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸، ص ۲۰.
 - ۲- همان، ص ۷۷.
 - ۳- همان، ص ۴۶.
 - ۴- همان، ص ۱۱۸.
 - ۵- همان، ص ۲۱.
 - ۶- همان، ص ۲۲.
 - ۷- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۵۰۸.
 - ۸- الصنهاجی، پیشین، ص ۲۶.
 - ۹- همان، ص ۵۵.
 - ۱۰- همان، ص ۶۵.